

- نگاه**

به طالبان باج ندهید!



محمدعارف فصیحی‌دولت‌شاهی

استاد دانشگاه

● درحالی‌که تلاش‌ها برای برگزاری مذاکرات صلح افغانستان همچنان ادامه دارد، کاربران شبکه‌های اجتماعی در اعتراض به خشونت‌افروزی طالبان و سیاست انفجالی باج‌دهی دولت کابل به این گروه، پوشش وسیع مجازی با عنوان به طالبان باج ندهید، راه انداخته‌اند. راه‌اندازی این هشتگ به دلایل زیر از حمایت‌گسترده اجتماعی برخوردار شده است:

۱. این گروه هیچ‌گونه اعتقادی به مصالحه ملی نداشته و جز جنگ، قتل و ویرانگری چیز دیگری را در کارنامه‌اش به ثبت نرسانده است. فلسفه وجودی طالبان وحشت‌افزینی، ترور و بی‌نظمی است. طالبان با مهربوری ملی و اسلامی بیگانه است و با مدارای دینی، تساهل و تسامح اجتماعی ستمزه دارد. این گروه افراطی از خشونت خشوند است؛ زیرا آن را نشانه غیرت و شورمندی خود می‌داند. مردم به‌خوبی به یاد دارند این گروه افراطی چگونه گُلوی مسافر غریب و معصوم (تبسم) را بی‌رحمانه سر برید و عروس و داماد غوری را با تیغ قساوت و افراطی‌گری عبوس کرد. هنوز هم که هنوز است، از تابوت عبدالعلی مزاری، دبیرکل حزب وحدت اسلامی که با بی‌رحمی در زمان اسارتش به دست این گروه شهید شد، خون می‌چکد. روزی که احمدشاه مسعود، قهرمان ملی، با حمله و نیرنگ این گروه در استان تخار جام شهادت را سر کشید و روزی که اولین رئیس شورای عالی صلح، برهان‌الدین ربانی را با عملیات انتحاری از بین بردند، این حوادث غمناک در تقویم تحولات غم‌انگیز این سرزمین رجیستر شده است. آنان حتی به خون آن دسته امامان مساجد که دارای روحیه اعتدالی هستند و از افراط‌گرایی برأت می‌جویند، عطش مفرط دارند. حمله آنان به بیمارستان زنان و زایمان در غرب کابل روی ریزم صهیونیستی او در کودکش سفید کرد.

۲. طالبان به هیچ‌یک از هنجارهای بین‌المللی باور ندارند و در حوزه میدانی بارها قواعد و هنجارهای بین‌المللی را در هم‌شکسته است. هجوم قهرآمیز این گروه به کنسولگری ایران و به شهادت رساندن دیلمات‌ها به‌عنوان یک اتفاق تلخ در تاریخ پرفرازونشیب دیپلماسی در ایران و همچنین تجاوز به حریم امن سازمان ملل در کابل و قتل دکتر نجیب، رئیس‌جمهور پیشین افغانستان، نمونه‌های از این هنجارشکنی بود. مردم افغانستان و دیگر ملت‌ها به یاد دارند چگونه این گروه افغانستان را محل امن و گولانگاه تروریسم بین‌الملل کرده بود. امتیازدادن‌های بی‌حساب‌وکتام می‌تواند افغانستان را به محل مطمئن برای همایش گسترده تروریست‌ها تبدیل کرده و امنیت منطقه و امنیت بین‌المللی را با خطر جدی مواجه کند. ۳. طالبان هویت خود را با کُفر و جهاد تعریف و تمثیل می‌کنند. کفر در قاموس طالبان یک مفهوم گسترده و دارای کاربرد وسیع است و از کسانی که کت‌وشلوار بی‌رئی می‌کنند و ریش خود را می‌ترازند تا مخالفان سیاسی – عقیدتی و بی‌دینان واقعی را دربر می‌گیرد. حتی دستیابی زنان به تحصیل را به معنای اعمال سیاست کُفر و ترویج بی‌عتنی و فحشا در افغانستان می‌داند. آنچه چشم‌انداز صلح را تیره نشان می‌دهد و باچ‌دادن به طالبان را غیرمعمول جلوه می‌دهد، این نکته است که تکفیر در اندیشه سیاسی طالبان به حکم منحص نمی‌ماند، بلکه اینها چون خود را یک گروه عمل‌گرا می‌دانند.

۴. طالبان به جرائم سنگین نقض گسترده حقوق بشری، حمل‌ونقل مواد مخدر و قاچاق انسان متهم هستند. ازاین‌رو آزادی آنان خود نقض حقوق شهروندی و بین‌المللی است. حققت آن است که زندان برای طالبان انقلاب درونی و بازگشت از بی‌راهه‌ها نیست، بلکه تجربه نشان داده است که اعضای این گروه بعد از رهایی از زندان خطرناک‌تر شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی که در این پوشش صدای مردم شده‌اند، این پیام را به حاکمیت و حامیان آن منتقل می‌کنند که طالبان بعد از رهایی از زندان قاصدان صلح نیستند، سفیران مرگ‌اند. آزادی زندانیان طالب در عرصه میدانی این تأثیر را داشته است که جبهه طالبان قوی‌تر و روحیه و انگیزه سربازان دولت ضعیف و خشونت نیز به مقیاس وسیع گسترده شده است. پس بیاییم با باچ‌دادن‌های بیش از اندازه به قاصدان مرگ، افغانستان را از چرخه خشونت و جنگ درون‌کشوری خارج کنیم.

آهنگی عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران

مناقصه دو مرحله ای شماره ۹۱/۴۴۳ م.م
خرید و دستگاه بکچ تصفیه فاضلاب بهداشتی جهت مناطق عملیاتی شرکت آب و برق تهران

شماره مجوز: ۱۳۹۹-۲۰۱۹ نوبت اول

شرکت نفت و گاز اروندان (خریدار) در نظر دارد خرید کلای موضوع فوق را از طریق شرکت های تامین کننده داخلی واجد صلاحیت تامین نماید. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر و چگونگی حضور در این مناقصه به وب سایت شرکت نفت وگاز اروندان به آدرس AOGC .IR مراجعه فرمایید

در صورت نیاز با شماره تلفن کمیسیون مناقصات ۸۸۲۲۴۱۰۶ – ۲۱ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

آرش فرحزاد، در نگاه اول به نظر می‌رسد که اعتراض‌های اخیر علیه نژادپرستی در ایالات‌متحده و تشدید دوقطبی در جامعه آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، می‌تواند به سود دموکرات‌ها باشد. اوضاع اقتصادی آمریکا دربی شیوع ویروس کرونا مساعد نیست و ناامیدی و خشم جامعه دربی قتل جورج فلوید، بهانه‌های مناسبی در اختیار دموکرات‌ها قرار داده تا با استفاده از آنها، ترامپ را به باد انتقاد بگیرند؛ اما با نگاهی دقیق‌تر و نزدیک‌تر به جامعه آمریکا و مواضع ترامپ درقبال تحولات اخیر می‌توان دریافت‌که ایسن رویدادها آن‌گونه که مخالفان ترامپ ادعا می‌کنند، به ضرر رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده نیست. وجود دوقطبی در جامعه آمریکا و نگاه نژادپرستانه، امری بدپخته‌شده در میان اکثر مردم این‌کشور است و موضع‌گیری ترامپ علیه معترضان و آسبب‌زندگان به امکان و بناهای هنری و تاریخی می‌تواند توجه افکار عمومی به سوءمدیریت او در بحران کرونا را کم‌رنگ کند. تاریخ ایالات‌متحده نشان داده در زمان وقوع بحران، افسکار عمومی معمولاً از رئیس‌جمهوری مستتر حمایت می‌کنند. در آن‌سو، بایدن و دموکرات‌ها بدون برنامه و استراتژی مشخص، تمام تمرکز خود را منوجه حمله به ترامپ کرده‌اند تا از ایسن طریق، ناکامی او در انتخابات را صحبت کنیم. هنوز هم ترامپ برگ‌های برنده‌ای در دست دارد و در شرایط فعلی هم می‌توان گفت با وجود کاهش موقعیتش در نظرسنجی‌ها درمقایسه‌با شش، هفت ماه گذشته، از شانس پیروزی برخوردار است.

🔴 وضعیت امروز دونالد ترامپ در آستانه انتخابات ۲۰۲۰ تا حدی به سال ۲۰۱۶ شباهت دارد: چهار سال قبل کمپینی گسترده علیه ترامپ شکل گرفته بود و رسانه‌ها و نخبگان سیاسی در ایالات‌متحده از پیروزی هیلاری کلinton حمایت می‌کردند. آن کمپین‌ها و حمایت‌ها با وجود برتری کلینتون در نظرسنجی‌ها و با اینکه او توانست رأی مردمی بیشتری کسب کند، نتیجه نداد و در کمال شگفتی ترامپ پیروز انتخابات شد. اسامال اما کارنامه و عملکرد ترامپ به خصوص در ماه‌های اخیر، باعث شکل‌گیری چنین کمپین گسترده‌ای علیه او نشده است. از نظر شما تفاوت موقعیت امروز ترامپ با چهار سال گذشته در چیست و آیا ترامپ با توجه به شرایط داخلی ایالات‌متحده، شانس پیروزی مجدد در انتخابات را دارد؟

در چند مقایسه، انتخابات ۲۰۱۶ با انتخابات سال ۲۰۲۰ تمجد تفاوت عمده برای ترامپ و آمریکا دارد؛ او‌لا در سال ۲۰۱۶ دونالد ترامپ به‌عنوان یک فرد خارج از سیستم و خارج از تشکیلات یا به‌عنوان اپوزیسیون وارد انتخابات شد. او کسی بود که پیش از حضورش در انتخابات ۲۰۱۶، شخصیتی سیاسی و دولتمرد شناخته نمی‌شد. شعارها و موضع‌گیری‌های ترامپ نیز ساختار سیاسی حاکم بر ایالات متحده را زیر سؤال می‌برد. مبارزه با فساد سیاست‌مداران حاکم و مبارزه با تشکیلات حاکم بر واشنگتن، حرف شهروندان حاشیه‌ای و سرخورده بود که برای نخستین‌بار از سوی ترامپ مطرح شد.

ترامپ برای جنگ با نخبگان حاکم وارد رقابت‌ها شد و به‌رحال توانست به‌دلیل کاراکتر شخصیتی و شعارهایی که داد، به‌سرعت مورد توجه قرار گیرد و سمبل موضع موجود، یعنی خانم هیلاری کلینتون را شکست دهد. در سال ۲۰۱۶ کلینتون نامزد مورد حمایت رئیس‌جمهور مستقر نبود و قبل از اینکه در انتخابات ۲۰۱۶ شرکت کند، هشت سال بانوی اول آمریکا بود، سال‌ها سناتور بود و چهار سال هم وزیر خارجه و بنابراین سمبل نظم موجود محسوب می‌شد؛ اما اکنون در سال ۲۰۲۰ وضعیت دگرگون شده و آقای ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور در انتخابات شرکت می‌کند و نمی‌تواند از منظر اپوزیسیون و فردی خارج از سیستم وارد گود شود و شعار دهد. البته هنوز هم تویت‌های او به‌گونه‌ای است که انگار همچنان در جایگاه رهبر اپوزیسیون قشار دارد. به‌هرحال ترامپ هرقدر هم این‌گونه موضع‌گیری کند، باز هم با سنگین مسئولیت مواجه خودش است. این تفاوتی آشکار است و آقای ترامپ نمی‌تواند این بار خودش را فردی خارج از سیستم معرفی کند.

کارخ بعدی این است که سال ۲۰۱۶، آمریکا بحران بزرگ مالی و اقتصادی را در شست سال قبل از آن پشت‌سر گذاشته بود و به‌رحال وضعیت رو به تثبیت قرار داشت، بنابراین ترامپ با شعار بهبود وضعیت اقتصادی به میدان آمد و این شعار هم مورد توجه افسکار عمومی قرار گرفت؛ اما این‌بار ترامپ در بحبوحه چند بحران عمیق قرار دارد که کارنامه‌اش را تحت تأثیر قرار داده است؛ بحران سلامت ناشی از شیوع ویروس کرونا و عملکرد ضعیف دولت در این مورد، بی‌کاری ۴ تا ۵۰ میلیون نفر که آن‌هم از تبعات شیوع ویروس کروناست و به‌رحال همه انتقادها را

جهان

امیرعلی ابوالفتح درباره تحولات اخیر آمریکا در گفت‌وگویی به «شرق» گفت:

ترامپ هنوز برگ‌های برنده‌ای در دست دارد



هویتی و نژادی که اخیراً پررنگ‌تر شده است. اینها باعث تضعیف وضعیت ترامپ خواهد شد؛ اما به نظر نمی‌رسد هرکدام از این چالش‌ها به اندازه‌ای اثرگذار باشد که بتوانیم با اطمینان‌خاطر از شکست ترامپ صحبت کنیم. هنوز هم ترامپ برگ‌های برنده‌ای در دست دارد و در شرایط فعلی هم می‌توان گفت با وجود کاهش موقعیتش در نظرسنجی‌ها درمقایسه‌با شش، هفت ماه گذشته، از شانس پیروزی برخوردار است.

🔴 در کنار مواردی که اشاره کردید، چالش اخیر بر سر قتل جورج فلوید و اعتراض‌های گسترده بعد از آن علیه نژادپرستی نیز نوعی دوقطبی را میان نامزدهای انتخابات در جامعه و به‌خصوص در سطح رسانه‌ها شکل داده است؛ به‌طوری‌که این‌گونه تبلیغ می‌شود که بایدن و دموکرات‌ها حامی برابری نژاد هستند و ترامپ حامی برتری نژاد سفید. این دوقطبی را چقدر منطق بر واقعیت می‌داند؟

نمی‌توانیم به‌طور قطعانه نتیجه‌گیری کنیم که تمام دموکرات‌ها حامی برابری نژادی سفید و جمهوری خواهان خواهان برتری نژاد سفید. **🔴 منظور بیشتر دوقطبی میان بایدن و ترامپ است.** غالب رسانه‌ها بایدن را فردی حامی برابری و ترامپ را حامی نژاد سفید تبلیغ و معرفی می‌کنند.

در مورد بایدن کاملاً مشخص است که او طرفدار برابری نژادی است. بایدن هشت سال معاون اولین رئیس‌جمهور ریگن‌یوگست تاریخ آمریکا بود. حامیان بایدن و اوباما غالباً از ایالت‌هایی هستند که به‌اصطلاح لیبرال محسوب می‌شوند و در حوزه‌های نژادی و فرهنگی بسیار تساهل و تسامح دارند. اما آن‌سووی ماجرا نمی‌توان با قاطعیت نتیجه گرفت که ترامپ طرفدار برتری نژاد سفیدپوست است. در مورد او فقط اتهام‌ها و ادعاهایی مطرح شده اما نقدهایی که به مواضع ترامپ صورت می‌گیرد، مانند نقدهایی که علیه سیاست‌مداران راست

افراطی و نژادپرست مطرح می‌شود، نیست. نکته مهم این است که ترامپ هنوز نتوانسته مرزی میان تأکید بر برابری نژادی و بحث امنیت ایجاد کند. در نتیجه جورج فلوید، ترامپ از منظر مقابله با آشوب و تخریب و درگیری‌های خیابانی از گروه‌هایی که شائبه نژادپرستی درباره آنها وجود دارد، حمایت کرد اما معتقدم که نمی‌توان ترامپ را فردی نژادپرست دانست. در گذشته مواردی وجود داشته که او در کسب‌وکار و ساختمان‌سازی خود حق و حقوق کارگران سیاه‌پوست را پایمال کرده و از این قبیل. اما این تنها به ترامپ ختم نمی‌شود. هر تاجر در آن موقعیت چنین کارهایی می‌کند. دغدغه ترامپ بیش از اینکه بحث نژادی باشد، بحث امنیت است. ترامپ تأکید می‌کند که با این ناآرامی‌ها از جمله تخریب مجسمه‌های تاریخی حتی اگر مربوط به شخصیت‌های نژادپرست باشد و با آتش‌زدن پرچم ملی به‌عنوان سمبل یک کشور و ملت، باید مباحث کرد. مخالفان هم این موضع‌گیری را به پای نژادپرستی ترامپ و علاقه او به سرکوب نژادی گذاشته‌اند.

🔴 با این حال ایسن وضعیت به ضرر ترامپ پیش رفته است. دموکرات‌ها قصد دارند تا در رقابت‌های انتخاباتی از موضوع نژادپرستی علیه ترامپ استفاده کنند. با وجود آنکه حامیان ترامپ از موضع‌گیری‌های او در بحران ایجادشده دربی قتل جورج فلوید حمایت کرده‌اند آیا دموکرات‌ها موفق خواهند شد از این حربه برای ضربه‌زدن به ترامپ و ریزش آرای او به سود خود استفاده کنند؟ درباره سیاه‌پوست‌ها و در کل، رنگین‌پوست‌ها، حتی قبل از بحران اخیر تقریباً مشخص بود که این گروه از رای‌دهندگان به حزب دموکرات رأی می‌دهند. درحال‌حاضر هم فردی نامزد حزب دموکرات است که معاون ساراک اوباما بوده، رئیس‌جمهوری برای اکثریت رنگین‌پوست‌ها و سیاه‌پوست‌ها یک قهرمان محسوب می‌شود. اما از طرف دیگر رویکردی که ترامپ در جریان ناآرامی‌های اخیر انتخاب کرد، به‌ویژه تمرکز بر بحث مقابله با تخریب و آشوب و تلاش

برای حفظ منابع بخش خصوصی که از این اتفاقات متأثر شده بود، امکان داشت تحولات داخلی آمریکا را وارد فاز درگیری مسلحانه و جنگ داخلی کند. اتفاقا می‌تواند باعث تقویت موقعیتش شود، او‌لا باید واقعیت جامعه آمریکا را درنظر بگیریم که در آن رویکرد نژادپرستانه چندان هم قبیح و ناپسند نیست و بخش عمده‌ای از جامعه آن را پذیرفته‌اند. بنابراین وقتی در زمان بروز ناامنی، رئیس‌جمهوری خودش را مدافع امنیت ملی معرفی و شعار نظم و امنیت بدهد، می‌تواند در بین گروه‌هایی که تعصبات حزبی ندارند و حتی در میان بخشی از دموکرات‌ها، تعدادی را به سوی خود جذب کند. اسان‌ها در شرایط بحران و زمان وقوع ناامنی، بین ارزش‌های انسانی و امنیت، معمولاً طرف امنیت را می‌گیرند.

با توجه به اینکه تکلیف اکثریت سیاه‌پوستان روشن بود و از قبل هم تصمیم نداشتند به نامزد حزب جمهوری‌خواه رأی بدهند پس به‌درستی می‌توان نتیجه گرفت که در بی اعتراض‌های اخیر در پایگاه رأی بایدن تغییر چندان‌ی ایجاد نمی‌شود. ولی در طرف مقابل، رای‌دهندگان مردم و رای‌دهندگان غیرمتعصب ممکن است نگاه مثبت‌تری نسبت به ترامپ داشته باشند. به هر حال قابل درک است که بسیاری از مردم آمریکا موافق آتش‌زدن پرچم کشور خود یا تخریب یک اثر هنری مربوط به تاریخ آمریکا نیستند. از این جهت تصور می‌کنم که موضوع فلوید چندان باعث تغییر ترکیب انتخاباتی در آمریکا نشود.

🔴 با وجود نکات منفی قابل توجه ترامپ و چالش‌هایی که در دوران ریاست‌جمهوری خود



در زمان بروز ناامنی، اگر رئیس‌جمهوری خودش را مدافع امنیت ملی معرفی کند و شعار نظم و امنیت بدهد، می‌تواند در بین گروه‌هایی که تعصبات حزبی ندارند و حتی در میان بخشی از دموکرات‌ها، تعدادی را به سوی خود جذب کند. انسان‌ها در شرایط بحران و زمان وقوع ناامنی، بین ارزش‌های انسانی و امنیت، معمولاً طرف امنیت را می‌گیرند.

معمولاً طرف تصمیم اشتباه را گرفته و اگر جایگاه رئیس‌جمهور را داشت، آن تصمیم اشتباه را عملی می‌کرد. منظورتان جنگ عراق است؟ **🔴 بایدن مخالف جنگ اول خلیج فارس و حمله به عراق دربی تهاجم صدام به کویت بود.** درصورتی‌که آن عملیات یکی از کوتاه‌ترین و موفق‌ترین عملیات‌های نظامی آمریکا محسوب می‌شود. سپس بایدن خلاف موضع‌گیری خود درباره جنگ اول عراق، از حمله نظامی دولت جورج بوش به عراق در سال ۲۰۰۳ حمایت کرد. جنگی فرسایشی و بدون برنامه‌ریزی که تلفات و هزینه‌های بسیاری برای آمریکا داشت و در نهایت ایالات‌متحده تصمیم به خروج اکثر نظامیان خود از عراق گرفت. بایدن درباره عملیات شکار اسامه بن‌لادن هم نظر مثبتی نداشت اما این عملیات یکی از معدود دستاوردهای دولت اوباما محسوب می‌شود.

دیدگاه مشخصی درباره بایدن وجود دارد. شخصیت بایدن به شخصیت نخبه‌ها و روشنفکران سیاسی غرب نزدیک‌تر است. اما او قرار است با یک نامزد غیرعادی و تهاجمی در انتخابات روبه‌رو شود. دونالد ترامپ فردی است بسیار تهاجمی و پرخاشگر که هیچ نگرانی از پیامد دروغ‌هایی که می‌گوید، ندارد. برای مقابله با ترامپ باید فردی به میدان می‌آمد که توانایی ایستادگی در برابر حملات او را داشته باشد. بایدن هم سننش بالااست و هم شیوع ویروس کرونا محدودیت‌ها و فاصله‌گذاری‌های اجتماعی‌که منجر به تعطیلی کمپین‌های انتخاباتی شده، ظاهراً به ضرر او پیش می‌رود. بعدی به نظر می‌رسد که بایدن بتواند در مناظره‌ها از پس ترامپ برآید. ترامپ با این استراتژی در سال ۲۰۱۶ به‌خوبی توانست حملات خود را به هیلااری کلینتون انجام دهد و او را در جایگاه متممی قرار داد که باید از خودش دفاع کند. نکته بعدی این است که دموکرات‌ها در ماه‌های گذشته عمده برنامه خود را بر حمله به ترامپ

متمرکز کرده‌اند. نه ارائه برنامه مشخص از سوی بایدن. مشخص نیست که حزب دموکرات برای بحران کرونا، بحران بی‌کاری، بحران‌های متعدد در مباحث نژادی، فرهنگي و درباره بیمه درمانی چه برنامه‌هایی دارند. تعطیلی فعالیت‌های انتخاباتی هم به ضرر دموکرات‌ها‌که در حال حاضر حزب اپوزیسیون محسوب می‌شوند، تمام شد و اگر هم برنامه‌های وجود داشته باشد امکان ارائه و بحث درباره آن در میتینگ‌ها وجود ندارد.

اما ترامپ ایسن موقعیت و تریسون را دارد که به‌عنوان رئیس‌جمهور مستقر هر روز موضع‌گیری کند و در کنار آن نگاهی هم به انتخابات داشته باشد و رسانه‌ها هم به او توجه می‌کنند. شاید هم به این دلیل باشد که دموکرات‌ها وقتی می‌بینند امکان ارائه برنامه و برگزاری کمپین ندارند، برنامه خود را بر حمله به ترامپ و تخریب او متمرکز کنند؛ اما بعدی است که این روش اثربخش باشد. شاید اگر برتی سنדרز حضور داشت، شرایط فرقی می‌کرد. سنדרز طرح و برنامه داشت؛ اما تیم بایدن بیشتر روی تخریب رقیب سرمایه‌گذاری کرده است.

🔴 پس تصور شما این است که بایدن فقط می‌تواند قشر نخبگان آمریکایی را با خود همراه کند

و با توجه به شرایط و محدودیت‌های موجود، افکار عمومی علاقه‌ای به استراتژی بایدن که تخریب ترامپ است، نشان نخواهند داد. در این‌میان قطعا رای‌دهندگانی هستند که برای جلوگیری از پیروزی ترامپ به بایدن رای می‌دهند.

نظرسنجی‌ها از ترامپ بدین‌سو است. ظاهراً او با اختلاف ۱۰، ۱۲ درصدی از ترامپ جلوتر است؛ اما چندان نمی‌توان به نظرسنجی‌ها متکی بود. باید در انتظار برگزاری مناظره‌ها بمانیم. در همان مناظره اول مشخص خواهد شد که بایدن تحمل فشارها و حملات ترامپ را دارد یا در موضع ضعف قرار خواهد گرفت.

🔴 به نظر می‌رسد ترامپ در ایسن مناظره‌ها با وجود رسوایی‌های فراوان در این سه سال، برگه‌هایی برای روکردن داشته باشد. در ماجرای اوکراین‌گیت تمام رسانه‌ها بر اعمال فشار ترامپ و اطرافیانش بر رئیس‌جمهور اوکراین برای افشاکاری علیه جو بایدن و پسرش متمرکز بودند و کمتر رسانه‌ای به این موضوع پرداخت که در کنار تمام این جنجال‌ها، واقعا بایدن و خانواده‌اش در اوکراین چه کرده‌اند.

بله، از این دست موضوعات زیاد هست؛ اما موضوعاتی مثل اوکراین یا کتاب‌هایی که علیه ترامپ منتشر می‌شوند، چندان برای مردم عادی اهمیت ندارد.

🔴 طبیعتاً مخاطب اصلی این کتاب‌ها،

بله، شهروند عادی آمریکا اهمیتی نمی‌دهد که ترامپ یا بایدن در اوکراین یا هر جای دیگر چه کرده‌اند. برای شهروند آمریکایی اقتصاد، مالیات، بیمه و سفر مهم است. به‌ویژه در این دوران شیوع کرونا که اقتصادها تقریباً فلج شده، مخاطب عام به شعارها و برنامه‌های رفاهی و اقتصادی توجه می‌کند.

🔴 با همین تغییرات و مطالباتی که اشاره کردید، بسیار دشوار به نظر می‌رسد که بایدن در صورت پیروزی با هم بخواهد مانند دوران قبل از ترامپ رویکرد حضور پررنگ واشنگتن در تحولات بین‌المللی را در پیش بگیرد. در‌هرحال ترامپ نماینده جریان‌ی است که خواسته اصلی آنها توجه بیشتر به داخل آمریکا و نوعی انزواگرایی و مداخله کمتر در تحولات جهانی است.

معتقد نیسم که ترامپ یا جریان سیاسی که باعث پیروزی او در انتخابات شدند، انزواگرا باشند. این گروه خواهان سیاست خارجی فعال، اما با اولویت‌های جهان‌گرایان ازجمله بایدن معتقدند که سیاست خارجی‌ها فعال با ترویج صلح، امنیت و رفاه تأمین می‌شود؛ اما جریان ملی‌گرا نگاه مثبت به مقوله‌هایی مانند صلح جهانی، اختلاف‌سازری یا منافع جمعی ندارد؛ بلکه اولویت آنها فقط ایالات متحده است.

آنها می‌خواهند از طریق سیاست خارجی فعال، در درجه اول، منافع آمریکا را تأمین کنند. ترامپ به‌عنوان نماینده این طرز فکر می‌گوید اگر منافع آمریکا اقتضا کرد، ما در سوریه می‌مانیم؛ در غیراین‌صورت لزومی برای ماندن نیسن. در این‌میان واکنش احتمالی سوریه، روسیه، عربستان یا اسرائیل هم اهمیتی ندارد. ظهور این تفکر هم به ترامپ محدود نمی‌شود و از سال‌ها قبل شروع شده است. این مطالبه ابتدا در محافل آکادمیک شروع شده و به‌تدریج به لایه‌های پایین اجتماعی سرایت کرد و تبدیل به یک مطالبه جمعی شد و در نهایت بسیاری خواهان ترامپ یا شَم سیاسی خود با سوارشدن بر این موج در انتخابات پیروز شدند. پس این مطالبه محصول ترامپ نیست. دولت‌های بعدی در آمریکا هم مجبور هستند براساس این خواسته عمل کنند؛ چراکه این نیاز داخلی آمریکا است. حالا ممکن است این خواسته با شیوه‌ها و بیان متفاوتی اجرا شود. آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که برای حفظ امپراتوری نیاز به اصلاحات اساسی در سیاست خارجی خود دارند. اگر بخواهند در جایگاه اول بمانند، بایدن این تغییرات و اصلاحات را انجام دهد؛ چراکه منابع این امپراتوری رو به کاهش است و باید بازبینی انجام شود. اگر آمریکا بخواهد با روشی که در قرن نوزدهم داشت، رفتار کند، به سرنویست امپراتوری بریتانیا دچار می‌شود.

- خبر**

توافق تاریخی اتحادیه اروپا بر سر بسته مالی

● رهبران و سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در همایش عالی خود در بروکسل بر سر بسته کمک‌های مالی کرونایی به توافق رسیدند. افزون بر آن، بر سر بودجه هفت‌ساله این اتحادیه نیز توافق حاصل شد. به گزارش دویچه‌وله، مذاکرات رهبران و سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مجموع بیش از چهار روز به طول انجامید؛ طولانی‌تر از هر همایش عالی دیگر این اتحادیه. در نخستین ساعات بامداد روز گذشته شارل ميشل، رئیس شورای اروپا، با انتشار پستی توئیتری خبر از این توافق تاریخی داد. اینکه مذاکرات رهبران و سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیش از چهار روز به طول انجامد، امری بسیار نادر است. آخرین بار، چنین همایش طولانی‌ای در شهر نیس و در سال ۲۰۰۰ برگزار شده بود. موضوع بر سر صدها میلیارد یورو بود.

از آن بین، بسته کمک‌های مالی اتحادیه اروپا برای شتاب‌بخشیدن به رشد اقتصادی و مقابله با پیامدهای مخرب کرونا برای کشورهای عضو این اتحادیه نیز باید به توافق و تصویب می‌رسید. برای نخستین‌بار در تاریخ اتحادیه اروپا، رهبران و سران کشورهای عضو این اتحادیه بودجه و بسته مالی بالغ بر هزارو ۸۰۰ میلیارد یورو را به تصویب رساندند.

۷۵۰ میلیارد یورو کمک کرونایی

● یکی از موارد اصلی مشاجره و اختلاف بین رهبران و سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا، بر سر تخصیص بودجه‌ای معادل ۷۵۰ میلیارد یورو برای کمک به اقتصاد کشورهایایی بود که بر اثر بحران کرونا آسیب دیده بودند.

فرانسه، آلمان، اسپانیا و ایتالیا خواستار آن بودند که ۵۰۰ میلیارد یورو از این مبلغ به‌عنوان کمک‌های بلاعوض در اختیار این دسته از کشورها قرار گیرد. این در حالی است که برخی دیگر از کشورهای و ازجمله اتریش و هلند، مخالف اختصاص چنین بودجه‌ای بودند.

پس از چهار روز بحث و مذاکره، کشورهای عضو این اتحادیه بر سر اختصاص ۳۹۰ میلیارد یورو کمک بلاعوض به توافق رسیدند. افزون بر آن، قرار شده است که ۶۶۰ میلیون یورو دیگر نیز در رابطه با کمک‌های مالی کرونایی به شکل وام در اختیار کشورهای متقاضی قرار گیرد.

از سوی دیگر، کشورهای عضو اتحادیه اروپا بر سر بودجه هفت‌ساله اتحادیه به توافق رسیدند؛ بودجه‌ای بالغ بر هزارو ۴۰۰ میلیارد یورو. قرار بر این است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در راستای ایجاد اقتصادی هم‌ساز با نیازهای زیست‌محیطی و همچنین اقتصاد دیجیتال‌ی گام بردارند.

چراغ سبز پارلمان مصر به سیسی

● خطر رویارویی مستقیم نظامی بین ترکیه و مصر در لیبی و وقوع یک جنگ تازه به نگرانی‌های بین‌المللی دامن زده است. پارلمان مصر پشت درهای بسته به حضور نظامی این کشور در لیبی رأی مثبت داد. این در حالی است که ترکیه نیز بر حضور نظامی خود در لیبی افزوده است. همین موضوع خطر وقوع یک رویارویی نظامی بین دو کشور در لیبی را افزایش داده؛ ترکیه از دولت مرکزی لیبسی در طرابلس دفاع می‌کند و مصر در کنار ژنرال خلیفه حفتر ایستاده است.

سه روز پس از انتشار بیانیه مشترک سه کشور آلمان، فرانسه و ایتالیا مبنی بر منح مداخله نظامی در امور لیبی و رعایت تحریم تسلیحاتی این کشور، پارلمان مصر با حضور ارتش این کشور در لیبی موافقت کرد. پیش از آن، در گزارشی که از سوی پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا منتشر شده بود، سخن از اعزام مزدور از سوی ترکیه به لیبی بود. براساس گزارش پنتاکون، ترکیه طرف سه‌ماهه نخست حمایت جاری حدود سه‌هزارو ۵۰۰ مزدور برای ایالات از مواضع دولت مرکزی لیبی به آن کشور اعزام کرده است.

رسانه‌ها حتی از ایجاد کردور هوایی از سوی ترکیه خبر داده بودند. در همین رابطه، رهبران اقوام ساکن شرق لیبی روز پنجشنبه ۱۶ جولای نشستی با عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهوری مصر داشتند.

در این نشست، نیروهای حامی حفتر از مصر درخواست کرده بودند با مداخله خود در جنگ داخلی لیبی مانع از شکست حفتر شود.

دولت مصر اعلام کرده است که نمی‌تواند نسبت به امنیت کشور خود و همچنین امنیت لیبی بی‌تفاوت باشد. پس از شدت‌گیری حمله نیروهای دولت مرکزی لیبی به خفره، در نزدیکی سیرت، مصر اعلام کرده است که شهر سیرت خط قرمز امنیتی این کشور محسوب می‌شود. این شهر در ۸۰۰کیلومتری مرز مصر با لیبی واقع است.

اکنون گفته می‌شود که امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا نیز در یک تماس تلفنی نسبت به افزایش تنش در لیبی گفت‌وگو کرده است. از سوی دیگر، خبر تماس تلفنی عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهوری مصر با ترامپ نیز رسانه‌ای شده است. آمریکا ازجمله نگران افزایش نفوذ روسیه در لیبی است.